

بررسی جایگاه اصل منع اختلال نظام اجتماعی از منظر امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۴

عابدین مؤمنی^۱

جمشید معصومی^۲

مهرداد جمشیدیان^۳

چکیده

در دین اسلام، امنیت و نظم در جامعه پایه و اساس تشکیل و استمرار یک نظام اجتماعی محسوب می‌شود و این مهم را می‌توان در اندیشه بزرگان دین یافت. نظام در مفاهیم و مراتب گوناگونی مثل سامان داشتن زندگی اجتماعی، کیان کشور، حکومت، مجموعه احکام و موازین اسلام و خرده نظام‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌کار می‌رود و زمانی که گفته می‌شود اختلال در نظام جایز نیست، منظور از نظام نیز نظام اسلامی، نظام و سرزمین اسلامی، نظام حکومت اسلامی و نظام زندگی و معیشت مردم و منع اختلال در آن است که در این تحقیق آنچه مورد نظر می‌باشد، منع اختلال در نظام اجتماعی و معیشت مردم است. از جمله بزرگان معاصر که بحث منع اختلال در نظام را مطرح و به آن پرداخته است امام خمینی (ره) است که در تقریرات و بیانات ایشان به مناسبت‌های مختلف مطرح شده است. از نظر ایشان حفظ نظام به حکم عقل از اوجب واجبات و اختلال در آن حرام است و هیچ حکمی توان و یارای تراحم با آن را ندارد. این تحقیق با روشی توصیفی-تحلیلی و با مطالعات کتابخانه‌ای تلاش دارد اصل منع اختلال در نظام اجتماعی را از منظر امام خمینی (ره) به‌عنوان یک اصل مهم در حکومت اسلامی مطرح نماید.

واژگان کلیدی: نظم، نظام اجتماعی، منع اختلال، عقل، سرزمین اسلامی، حفظ نظام، امام خمینی (ره).

۱. دانشیار گروه الهیات دانشگاه تهران رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی: abedinmomeni@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه آزاد (واحد مرکز) رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی: drjm1348@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی تهران: mehrdadjamshidian10@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

براساس آیات و روایات و حکم قطعی عقل، یکی از ضروریات مسلم و واجبات مهم در اسلام، حفظ نظام جامعه و زندگی مردم است و حاکم جامعه اسلامی موظف است در مقام تراحم حفظ نظام معیشتی مردم با امور دیگر، حفظ نظام را مقدم بدارد؛ البته تاجایی که با اساس اسلام و عدالت در تضاد نباشد. با مراجعه به کتب و نظریات اندیشمندان اسلامی مشاهده می‌شود اصل حفظ نظام و منع اختلال در آن از جمله مباحثی است که به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته و صرفاً به عنوان مبنای اثبات بسیاری از احکام فقهی شیعه مورد استناد قرار گرفته است و از نظریات ایشان برداشت می‌شود که حفظ نظام اجتماعی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده، البته فقه‌های نخستین کمتر به آن توجه داشته‌اند (باقی‌زاده و امیدی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۷۰). با تتبع در کتب فقهی شیعه مشاهده می‌شود حفظ نظام و منع اختلال در آن تا قرن یازدهم مورد توجه ایشان در کتاب‌ها و تقریرات نبوده و از قرن یازدهم بوده که به تدریج فقه‌هایی همچون شیخ یوسف بحرانی در کتب *حدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره و الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه* و حسینی عاملی در کتاب *مفتاح الکرامه* به آن پرداخته‌اند. فقه‌های عظام شیعه به تدریج مستند بسیاری از احکام فقهی شیعه را بر حفظ نظام و منع اختلال در آن استوار کرده‌اند که این را در کتب بزرگانی همچون صاحب جواهر، شیخ انصاری، بحر العلوم، آشتیانی، شیخ انصاری، نائینی، میرزای شیرازی، ایروانی، اصفهانی (کمپانی)، کاشف الغطاء، منتظری و... به عنوان مبنای اثبات احکام فقهی مشاهده نمود (باقی‌زاده و امیدی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۷۰). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کاربرد آن در کلام امام خمینی (ره) تحول اساسی پیدا کرده و این تحول دستاوردها و نتایج عمیقی در برداشته است (مهدوی‌زادگان، ۱۳۹۸: ۲۴) با توجه به این مسئله، مقاله حاضر تلاش دارد با بررسی اندیشه‌ها، بیانات و تقریرات امام خمینی (ره) به بررسی نظام اجتماعی و اهمیت حفظ آن از منظر ایشان در گفتمان انقلاب اسلامی بپردازد. از آنجایی که اختلال در نظام اجتماعی به لحاظ شرعی و عقلی به مثابه یک تهدید برای حکومت اسلامی بررسی می‌شود، لازم است به لحاظ مبانی عقلی به اختلال نظام پرداخته شود و با بهره‌گیری از اصول عقلی و شرعی، منع اختلال نظامات اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد. لاجرم، این مقاله تلاش می‌کند تا با رجوع به تقریرات امام خمینی (ره) و مجموعه بیانات ایشان (*صحیفه امام*) به بررسی این مهم

بپردازد. پس مشخص گردید که مسئله اصلی این پژوهش بررسی مفهوم و مبانی منع اختلال نظام اجتماعی از منظر امام خمینی (ره) در قالب طرح‌واره استفهامی سه‌گانه «مفهوم حفظ نظام»، «منع اختلال در نظامات اجتماعی» و «مبانی اثباتی منع اختلال نظام اجتماعی» می‌باشد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

از آنجایی که منع اختلال در نظام اجتماعی یکی از مهم‌ترین مباحث در حکومت می‌باشد این تحقیق در تلاش است اصل منع اختلال در نظام را از منظر امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از بزرگترین اندیشمندان معاصر بررسی کند و آن را به‌عنوان یک اصل که مورد پذیرش تمام عقلای عالم است معرفی کند. از این‌رو، هدف اصلی این مقاله نیز «بررسی حفظ نظام و منع اختلال در نظام اجتماعی از منظر امام خمینی (ره)» می‌باشد. سؤالات مقاله به قرار زیر می‌باشد.

۱. منع اختلال در نظام از دیدگاه امام خمینی (ره) به چه معنا و مفهومی است؟
۲. مبانی اصل منع اختلال نظام در اندیشه امام خمینی (ره) کدام‌اند؟
۳. مؤلفه‌های منع اختلال در نظام از منظر امام خمینی (ره) چه مواردی می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

در خصوص منع اختلال در نظام اجتماعی به‌صورت مختصر در کتب فقهی شیعه بحث شده است و این مهم را به‌عنوان یک از مبانی اثباتی احکامی همچون لزوم وجود نهاد قضاوت، وجود حکومت، عدم وجوب عینی اجتهاد و... مطرح کرده‌اند. در میان اندیشمندان معاصر، این مهم بیشتر مورد توجه امام خمینی قرار گرفته است و این اصل را به‌عنوان یکی از مبانی تشکیل و استمرار حکومت مطرح کرده‌اند. در خصوص حفظ نظام مقالاتی منتشر شده است. جمال‌زاده و باباخانی (۱۳۹۶) در پژوهشی مشترک با عنوان «کاربرد حفظ نظام در اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی» تلاش دارند قاعده حفظ نظام را در قالب چهار محور «حفظ کیان اسلام»، «حفظ نظام اجتماعی»، «حفظ نظام معیشتی» و «حفظ نظام سیاسی و حکومتی» مورد بررسی قرار دهند و نتیجه تحقیق حاضر آن است که مهم‌ترین ابداع امام خمینی (ره) نسبت به فقهای پیش از خود، گسترش مفهومی قاعده ضرورت حفظ نظام و افزودن محور حفظ نظام سیاسی به دایره شمول این قاعده است (جمال‌زاده و باباخانی، ۱۳۹۶: ۵) محمدجواد باقی‌زاده پژوهشی با عنوان «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه» به رشته تحریر درآورده و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که آنچه سبب برهم

ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود نیز ممنوع و حرام، و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، واجب است. براساس یافته‌های این پژوهش، حفظ نظام از واجباتی است که شارع مقدس به هیچ وجه به ترک آن راضی نیست. از این رو، حاکم جامعه اسلامی موظف است حفظ نظام را مورد توجه قرار دهد (باقی‌زاده و امیدی فرد، ۱۳۹۳: ۱۹۶) در مقاله مشترکی با عنوان «وجوب حفظ نظام اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» (۱۳۹۱) تأکید می‌شود به دلیل اطلاق حق حاکمیت به خداوند متعال در تفکر شیعی، نظام سیاسی در اسلام توحیدی است. چون اصل و پایه حفظ اسلام است و در واقع تمایزی بین اسلام و حکومت اسلامی نیست، پس حکومت اسلامی جزء جدایی‌ناپذیر اسلام است. تشکیل حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) موضوعی فرعی و عرضی نیست، بلکه تجلی ذات و ماهیت اسلام است که حفظ آن به مثابه حفظ اسلام قلمداد شده است. بنابراین، ایشان نظام اسلامی را در عصر حاضر امانت الهی تلقی کرده و حفظ آن را از واجبات شرعی اولی و عینی می‌داند. بر این اساس، نه تنها حفظ نظام بر همه فرعیات دینی و واجبات شرعی مقدم است، بلکه اهمیت حفظ آن نسبت به جان امام زمان (عج) ارجح است. از این رو، مقاله حاضر به تبیین وجوب حفظ نظام اسلامی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین محورهای اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پرداخته و وجوب حفظ نظام اسلامی را از دیدگاه امام خمینی (ره) تبیین و تحلیل می‌کند (الهام و موسوی، ۱۳۹۱: ۹۱) سید ضیا مرتضوی در مقاله «قاعده حفظ نظام و پیوند آن با حفظ نظام سیاسی با تأکید بر نگاه فقهی امام خمینی (ره)» هدف خود را واکاوی و شناسایی قاعده حفظ نظام و پیوند آن با حفظ نظام سیاسی در اندیشه فقهی امام خمینی (ره) دانسته و نتایج پژوهش او نشان داد، تلازمی که امام خمینی میان حفظ نظام سیاسی موجود با حفظ نظام عام اجتماعی از یک سو، و حفظ جایگاه و نقش و چهره اسلام از سوی دیگر می‌دیدند، حفظ نظام جمهوری اسلامی را مهم‌ترین تکلیف یا از مهم‌ترین تکالیف دینی دانسته‌اند؛ خاستگاه این تکلیف در نگاه ایشان را هم باید در پیوند مستقیم حفظ نظام با عملکرد نظام تحلیل‌گر، و هم باید آن را در اقتضای وظیفه‌شناسی آحاد مکلفان در حفظ نظام در برابر دشمنان فهم نمود (موتضوی، ۱۳۹۸: ۲۹). آنچه تحقیق حاضر را از تحقیقات صورت گرفته متمایز می‌کند، معرفی منع اختلال در نظام به عنوان یک اصل اجتماعی و بررسی آن از منظر امام خمینی است.

چارچوب مفهومی

نظم

لغویان در کتب لغت‌شناسی، برای لفظ نظم معانی را ذکر کرده‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود. ابن‌منظور در کتاب *لسان‌العرب* نظم را بدین صورت معنی کرده‌است: «نظم عبارت است از تألیف... و نظم دادن به مرواریدها یعنی جمع کردن آنها در سلک و مجموعه‌ای واحد... و هر شی را که به شی دیگر قرینه یا ضمیمه کنیم، یعنی آن را به نظم درآوردیم.» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۵۷۸). فیومی در *مصباح‌المنیر* چنین آورده است که «منظم کردن امر: برپاداشتن» (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۶۱۲). همچنین در *معجم معانی* چنین آمده است «نون، ظاء، میم: اصلی است که دلالت بر تألیف و گردآوری یک شی می‌کند» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۴۳) در قاموس قرآن نیز در مورد لفظ فوق‌الذکر چنین ذکر شده است: «الف (بر وزن علم) پیوند جمع شدن با میل و رغبت (مفرداد) باید دانست الفت جمع شدن مطلق نیست بلکه جمع شدنی میان اجزاء آن قبول و میل باشد.» (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۹۳) به‌طورکلی اگر بخواهیم میان معانی ارائه شده جمع‌بندی کنیم، باید بیان کنیم که روح تمام معانی ذکرشده همان به رشته کشیدن مروارید و جمع‌آوری و پیوند دادن میان آنهاست. نظم از منظر علوم اجتماعی، مفهوم اجتناب‌ناپذیری برای بحث درباره پدیده‌های پیچیده است و همان نقشی را به‌عهده دارد که مفهوم قانون در تجزیه و تحلیل پدیده‌های ساده‌تر دارد ایفا می‌کند. به دلیل موقعیت ممتاز و نقش انکارناپذیر نظم در توسعه و ثبات اجتماعی و سیاسی کشورها، یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه‌شناسان و متفکران نظم اجتماعی^۱ است. نظم اجتماعی نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی^۲ و هنجاری^۳، با شبکه‌های فرصتی^۴ و تعاملی^۵ کنشگران فردی و جمعی است. باید دقت کرد که ما در بحث نظم و نظام اجتماعی، به‌دنبال یک نظم عینی هستیم و صرفاً

1. Social order

۲. ارزش‌شناسی وجودشناسی، تکلیف‌شناسی، زیباشناسی.

۳. هنجارهای اخلاقی، اجتماعی، قانونی و رویه‌ای.

۴. ذهنیت جایگاهی (وجه آرمانی، اعتقادی و فکری مربوط به موقعیت اجتماعی)، نقش اجتماعی (هنجارها و ارزش‌ها)، رتبه اجتماعی (میزان دسترسی به قدرت، ثروت، نفوذ، و معرفت) و سرمایه اجتماعی (ذخیره‌ها، قدرت، ثروت، نفوذ و معرفت).

۵. روابط گفتگومانی، اجتماعی، سیاسی و مبادله‌ای.

واژه‌ها و تعاریف راهگشای ما نمی‌باشد. در این تعریف، به ویژگی‌های فردی و الزام‌های خارجی توجه شده است. ترکیب این عوامل منجر به نظم اجتماعی و عینی می‌شود؛ یعنی همان چیزی که در عینیت خارجی متجلی می‌گردد. به همین دلیل است که در عینیت خارجی، نظم‌های انضمامی بسیار متنوع و گوناگونی وجود دارد؛ هرچند در ذهن و به صورت انتزاعی بتوان برای نظم، نمونه آرمانی معین کرد (چلبی، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۷). برای تأیید مطلب قبل می‌توان به تعریف پیتربرگر^۱ و توماس لاکمن^۲ در کتاب *ساخت واقعیت اجتماعی*، توجه کرد. این دو می‌نویسند: «نظم اجتماعی محصولی است انسانی، یا به بیانی دقیق‌تر، نتیجه سازندگی مستمر انسانی است. آدمی در جریان برونی ساختن مستمر خویش آن را به وجود می‌آورد» (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۷۹) با توجه به این تعریف، می‌توان گفت که توصیف و تحلیل نظم اجتماعی بر مبنای عوامل زیستی یا حتی عوامل محیطی نوعی تقلیل‌گرایی است. نظم اجتماعی فقط به عنوان محصولی از کنش انسانی وجود دارد و برای درک آن باید به کنش‌هایی که میان آدمیان رخ می‌دهد، توجه کرد و این کنش‌ها را تحلیل نمود و باید به این نکته هم دقت کرد که اساساً نظم، مفهومی انتزاعی است، مفهومی که سرچشمه آن ذهن و ایده ناظم است و سپس وجودی عینی به خود می‌گیرد، در واقع نظم اجتماعی اعتباری انسانی است.

نظام

لغویان برای لفظ نظام، معانی را ذکر کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «نظام: هرآنچه که مانند رشته و غیره، اشیاء را در آن به نظم درمی‌آوریم. و نظام هر امری ملاک آن است... تا آنجایی که وقتی گفته می‌شود یک امری نظام ندارد؛ یعنی مسیر و طریق آن مستقیم نیست و نظام در اصل لغت به رشته‌ای گفته می‌شود که مجموعه‌ای از مرواریدها را با آن به رشته درمی‌آورند و کار آنها دارای نظام نیست یعنی دارای هدایت و متعلق و استقامت نیست و وقتی گفته می‌شود یک شی بر نظام واحد است یعنی همیشه بر یک عادت است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۷۸) با توجه به این معنی ارائه شده از واژه «نظام» می‌توان گفت که «نظام» در اصل به «نخی» گفته می‌شود که دانه‌های مروارید و مانند آن را به یکدیگر متصل می‌کند و

1. Peter ludwing berger
2. Thomas luckmann

مایه اتصال، برپایی، تألیف و ضم آنها بر روش و نهج و عادت می‌شود و مجازاً در سایر امور به کار رفته، که به معنای ملاک آنها و اساس و برپادارنده آن امر بر عادت و نهج و روشی مشخص می‌باشد. همچنین می‌توان دریافت که بدون نظام، هیچ شی و امری مرکب از اجزای گوناگون است، به یکدیگر متصل نشده و امر مرکب بدون نظام، تاب استقامت نداشته و بدون نظام برپاداشته نمی‌شود. لذا هر نظامی متعلق خود را طبق روش و نهجی برپا می‌دارد و اوضاع آن را سامان بخشیده و واسطه نظم و آراستگی میان اجزا آن می‌گردد. نظام در مفهوم اصطلاحی به طور کلی به دو صورت تعریف شده است: ۱. «مجموعه عناصری که در وابستگی متقابل با یکدیگر بوده و هدفمند هستند»، ۲. «نظام، مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته که در راه نیل به هدف‌های معینی، با هم هماهنگی دارند.» (چرمن، ۱۳۶۹: ۲۶) این تعریف اصطلاحی، تعریفی است که عمومیت فراوانی دارد و دربردارنده نظامات تکوینی و مصنوعی و اجتماعی می‌شود. اما در برخی از تعاریف نیز نظام را به عنوان یک مجموعه مطرح نکرده‌اند، بلکه نظام در این تعریف آن عاملی است که اجزای پراکنده ذهنی و عینی را با یکدیگر مرتبط کرده و به آنها معنا می‌دهد و آنها را تبیین و تحلیل می‌کند و مبنا و مقصد آنها را مشخص می‌نماید. نظام در این تعریف، عامل پیوند بوده و به معنای لغوی آن نیز نزدیک است (پورسیدآقایی، ۱۳۸۹: ۹۱). آنچه برای ما اهمیت بیشتری دارد و براهین ما بیشتر بر آن معنا استوار می‌گردد، معنای دوم می‌باشد. از این حیث، در برخی موارد اگرچه هدف باعث پیوست و تألیف سلسله اجزای پراکنده می‌شود، اما آن عاملی که چارچوب‌های یک مجموعه و رابطه آن با اهداف و مبانی و اصول و مسیر رسیدن به این اهداف را مشخص می‌کند، نظام به معنای دوم است و اساساً این معنادهی، همان نظم‌بخشی است.

اختلال

اختلال در لغت یعنی درهم برهم شدن کار، خلل پذیرفتن، بی‌سرو سامانی. برخی اختلال در لغت را چنین معنا کرده‌اند: اختلال یعنی «سست و تباه شدن کار و نابسامانی و بی‌نظمی» است و نظام اصطلاحی منطقی، فلسفی، نجومی و اجتماعی است. نظام یعنی «ترتیب و تنظیم بر اصل منطقی و طبیعی». همه موجودات عالم، نظام معین و خاصی دارند که هر یک در مرتبه خود واقع

و ارتباط خاصی با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که این ارتباطات، تمام موجودات را در حکم یک موجود قرار داده و همه را به هم پیوسته کرده است و همه لازم و ملزوم یکدیگرند. اختلال نظام «تباه شدن و نابسامانی چنین ارتباطی است.» (سجادی، بی تا، ج ۴: ۴۶۲) این تعریف، هرچند به حوزه نظام تکوین مربوط می‌شود، اما می‌توان در حوزه نظام تشریح و عالم اعتبار هم از اختلال نظام به معنای نظام زندگی انسان و قوانین و قواعد حاکم بر آن نیز سخن گفت. بنابراین، اختلال در نظام یعنی اینکه نظام و ارتباط جامعه و نظام اجتماعی به گونه‌ای دچار هرج و مرج و خدشه شود که آن نظام دارای نظم به خصوصی نباشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس هدف، نظری و توسعه‌ای و براساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. به عبارتی، تلاش می‌شود تا از مواد خام و آگاهی‌های موجود، تحلیل و تفسیری منطبق بر امر واقع انجام شود. تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی نظیر؛ منابع کتابخانه‌ای، مجلات و مقالات معتبر تخصصی بهره گرفته می‌شود. برای تبیین اندیشه‌های امام خمینی (ره)، به مجموعه بیست و دو جلدی صحیفه امام و تقریرات ایشان رجوع می‌شود. در تحلیل داده‌های خام استخراج شده از آثار امام خمینی (ره)، تلاش می‌شود تحلیل‌ها منطبق با واقعیت و برآمده از متن اصلی باشند.

یافته‌های پژوهش

حفظ نظام و منع اختلال در آن به معنای مختلفی در ادبیات اندیشمندان به کار رفته است اما آنچه در این تحقیق مطمع نظر قرار گرفته حفظ نظام معیشت و اجتماع مردم و منع اختلال در آن است. امام خمینی در کتاب‌های مختلف خود در خصوص لزوم تشکیل حکومت اسلامی مباحثی را مطرح کرده است و یکی از مبانی این مهم را لزوم حفظ اجتماع و معیشت مردم و منع اختلال در آن مطرح کرده است. اصل منع اختلال در نظام یک اصل عقلایی است و از آنجایی که شارع مقدس نیز خود از عقلا بلکه رئیس عقلاست، آن را تأیید می‌کند. بنابراین، منع اختلال در نظام به استناد ادله همچون عقل و بنای عقلا به عنوان یک اصل معرفی می‌شود.

منع اختلال در نظام از دیدگاه امام خمینی (ره)

در این بخش تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که از منظر امام خمینی (ره)، منع اختلال در نظام به چه معنا و مفهومی است؟ قبل از پاسخ به این سؤال، باید در نظر گرفت که یکی از بزرگان معاصر که بیشتر به بحث اصل منع اختلال در نظام پرداخته است امام خمینی (ره) است. از نظر ایشان، حفظ نظام و منع اختلال در آن، از اهم واجبات دینی و یکی از اساسی‌ترین احکام سیاسی-اجتماعی است، چنان‌که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «حفظ نظام از اوجب واجبات است.» در سخنان امام، تعبیرات گوناگونی در این رابطه وجود دارد؛ یکی از واجبات مهم اسلام، حفظ نظام جامعه، زندگی و معیشت مردم است. از منظر امام، مقصود از حفظ نظام زندگی و منع اختلال در آن، رعایت اموری است که اخلال به آنها، امنیت جامعه یا زندگی مردم را دچار اختلال و مشکل می‌کند و چون اسلام می‌خواهد که زندگی اجتماعی مردم، نظام و سامان داشته باشد آن افعال را بر مردم واجب کفایی کرده است (مطهری، بی تا: ۱۲). بر این اساس، آنچه سبب برهم‌ریختن نظام معیشت جامعه می‌گردد، حرام و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه لازم است، واجب می‌باشد. از دیدگاه امام (ره) حفظ نظام واجب و اختلال امور مسلمانان مبعوض شارع است و حفظ نظام متوقف بر تشکیل حکومت است. ایشان می‌فرماید: «بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت پیامبر (ص) را لازم آورده منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم نیز ادامه دارد... این حرف که قوانین اسلام تعطیل‌پذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکانی است برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین، چون اجرای احکام پس از رسول اکرم و تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، ضرورت می‌یابد. بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره که همه جریانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام، تحت نظام عادلانه درآورد هر چه و مرج به وجود می‌آید و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید. پس برای اینکه هر چه و مرج و عنان گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همه اموری که در کشور جریان می‌یابد.» (خمینی، ۱۴۲۳: ۲۷).

بنابراین اثبات وجوب تشکیل حکومت اسلامی و حفظ آن از طریق وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال به آن، این نتیجه را در پی خواهد داشت که وجوب تشکیل حکومت و حفظ آن

بر همه احکام شرعی مقدم و از اوجب واجبات باشد؛ چراکه حفظ نظام از اهم واجبات است و هیچ‌یک از احکام شرعی در مقام تراحم، یارای رودررویی با آن را ندارند و اگر بین حفظ نظام و سایر احکام شخصی یا اجتماعی تراحم واقع شود، حفظ نظام مقدم بر آنهاست؛ زیرا حفظ نظام از واجباتی است که شارع مقدس به هیچ‌وجه راضی به ترک آن نیست. از این رو، حاکم جامعه اسلامی موظف است در مقام تراحم، حفظ نظام معیشتی مردم با سایر احکام اسلامی، حفظ نظام را مقدم بدارد. از این منظر، حاکم اسلامی می‌تواند در اداره امور مختلف کشور اسلامی و حل مسائل و معضلات نوپیدای آن، از احکام حکومتی به‌عنوان ابزار کار استفاده نماید، مثلاً می‌تواند از باب مقدمیت دانستن برای حفظ نظام و جلوگیری از هرج‌ومرج و اختلال در آن، اقدام به نرخ‌گذاری کالاها و اجناس نماید، کاری که به حسب عنوان اولی آن، جایز نیست و حکمی که در چنین فرضی از سوی حاکم صادر می‌شود، حکم حکومتی خواهد بود که از حیث اختیارات حاکم اسلامی است. امام خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن، موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به‌وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی، با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع، محقق است و از پس رفع موضوع، خودبه‌خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن.» (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۵۱۰).

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا ولی امر در صورت تشخیص مصلحت می‌تواند برخلاف حکم شرعی الهی، حکم صادر نماید یا به‌طور موقت، به کنار گذاشتن و تعطیلی آن فرمان دهد؟ امام می‌فرماید: «اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض کرد، حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به پیامبر(ص) یک پدیده بی‌معنا و بی‌محتوا باشد و اشاره می‌کنم به پیامدهای آن که هیچ‌کس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد. باید عرض کنم حکومت شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله است و یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز، روزه، حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند، حاکم می‌تواند مساجد را در مواقع لزوم تعطیل کند و مسجدی را که ضرار باشد در صورتی که بدون تخریب رفع نشود خراب کند.

حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک‌جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و چه غیرعبادی، که جریان آن مخالف مصالح است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. از حج که از فرائض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی است، موقتاً جلوگیری کند، آنچه گفته شده تا کنون یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده که شایع است مزارعه، مضاربه و امثال آنها با آن اختیارات از بین خواهد رفت. صریحاً عرض می‌کنم فرضاً چنین باشد، این از اختیارات حکومت است.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۵۱-۴۵۲). همان‌گونه که از بیانات امام خمینی (ره) مشخص می‌شود، محدوده اختیارات حکومتی فقیه در اداره جامعه اسلامی، «مصلحت جامعه اسلامی» است که در صورت تراحم با احکام فرعی اسلام بر آنها مقدم می‌شود. البته تقدم حفظ نظام بر احکام شرعی در چارچوب ضوابط و اصول متعددی است. بنابراین، با نگاهی در منابع علمی امام می‌توان فهمید حفظ نظام و منع اختلال در آن از مسائل مهم شیعه محسوب می‌شود که مبنا و اساس اثبات احکام بسیاری در نظام اجتماعی می‌باشد.

مبانی اصل منع اختلال نظام در اندیشه امام خمینی (ره)

بعد از بررسی مفهومی اصل منع اختلال در اندیشه امام خمینی (ره) در بخش قبلی، در این قسمت، تلاش می‌کنیم تا به این سؤال پاسخ داده شود که مبانی اصل منع اختلال نظام در اندیشه امام خمینی (ره) به چه معناست؟ در این خصوص، باید اشاره شود اصل منع اختلال در نظام، یک اصل عقلی و عقلایی است و در قرآن کریم و سنت معصومان حکم تکلیفی مولوی که در این معنا صراحت داشته باشد، نیامده است و اگر مواردی که از آیات^۱ و سنت^۲ ذکر می‌شود، از

۱. «بقره/ آیات ۶۰ و ۲۰۵؛ اعراف/ آیه ۷۴؛ مائده/ آیه ۶۴؛ قصص/ آیات ۷۷ و ۸۳؛ توبه/ آیات ۴۶، ۴۷، ۱۰۸، ۱۰۷؛ مائده/ آیه ۳۳».

۲. امام صادق (ع) به مردی که از ایشان پرسیده بود: «آیا اگر من چیزی در دست کسی ببینم، جایز است شهادت بدهم آن شیء مال اوست؟» فرمود: «آری جایز است». آن مرد گفت: «شهادت خواهم داد که آن مال در دست اوست؛ ولی گواهی نمی‌دهم که به او تعلق دارد؛ زیرا ممکن است مال دیگری باشد». حضرت فرمودند: «آیا حلال است آن شیء از او خریده شود؟» مرد گفت: «آری حلال است». امام فرمودند: «شاید مال دیگری باشد؛ پس چگونه

باب تأیید و ارشاد به حکم عقل و عقلاست. در ذیل مبانی اصل منع اختلال در نظام ذکر و به صورت اختصار نکاتی در این حوزه مورد کنکاش قرار می‌گیرد:

- عقل: انسان موجودی مدنی‌الطبع است. فطرت تمام انسان‌ها ضرورت «اجتماعی زیستن» را درک می‌کند و به گونه‌ای که بشریت برای رفع حوائج خود به یکدیگر نیازمند است و هر شخصی با انجام امری نه تنها نیازهای خود را رفع می‌کند، بلکه نیازهای افراد جامعه را نیز برطرف می‌کند و این از لوازم تشکیل نظام اجتماعی است. انسان پس از تشکیل اجتماع فهمید که دوام زندگی‌اش منوط به این است که اجتماع به گونه‌ای استقرار یابد که هر صاحب حقی به حق خود برسد و مناسبات و روابطش نظام‌مند باشد. بنابراین، تشکیل اجتماع و نظام‌مندی اجتماعی، زائیده احساس نیاز و ضرورت بوده است و اگر این نیازمندی وجود نداشت، هیچ انسانی حاضر نمی‌شد دامنه اختیار و آزادی خود را محدود کند و چارچوب‌هایی را که اقتضای زندگی اجتماعی است، بپذیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۱۶ - ۱۱۷) در این میان، به تناسب نیاز-هایی که افراد داشتند، نظام‌ها و مجموعه‌هایی درون نظام بزرگ اجتماع شکل گرفت که هر یک برای چاره‌جویی و رفع یک یا چند ضرورت پدیدار گشت؛ نظام‌هایی همچون نظام اقتصادی، سیاسی، قضایی، امنیتی و فرهنگی، که روزبه‌روز با رشد و تکامل بشر و جامعه بشری و بیشتر و کامل‌تر شدن نیازهای او، شکل کامل‌تر و منقح‌تری به خود گرفتند. بنابراین، با وجود شکل‌گیری اجتماع، عقل بشر، وجود نظام را جهت برطرف کردن نیازهای خود لازم و ضروری تشخیص می‌دهد؛ بلکه این ضرورت در نگاه او، چنان مهم و حیاتی است که از هر آنچه باعث اختلال در این نظام شود، منع می‌کند؛ حتی اگر از دامنه آزادی‌ها یا سودجویی فرد یا افراد اندکی از جامعه، به این واسطه کم شود؛ زیرا می‌داند که بهای برخورداری این گروه از تمام خواسته‌هایشان را باید تمام جامعه بپردازد و زیان آن دامنگیر گروه‌های بیشتری از انسان‌ها خواهد بود. بنابراین، عقل سلیم وجود هر امری را که به اختلال نظام بینجامد، قبیح می‌داند و آن را نادرست و نابهنجار می‌شناسد و به منع آن حکم می‌دهد. در مقابل، هر چیزی را که موجب نظام‌مندی و ثبات

جایز است تو آن را بخری و بعد از تملکش بگویی که متعلق به من است و بر آن سوگند یاد کنی؛ ولی جایز نیست نسبت به مالکیت کسی که تو از ناحیه او مالک شده‌ای اقرار کنی؟» سپس حضرت فرمودند: «اگر این امر جایز نباشد، برای مسلمان‌ها بازاری برپا نمی‌ماند» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۱).

آن در اجتماع شود، لازم و ضروری می‌داند. به نظر می‌رسد حکم عقل به منع اختلال در نظام از مستقلات عقلیه باشد تاجایی که بسیاری از بزرگان شیعه در ذیل دلایل قاعده نفی حرج به عقل به‌عنوان یکی از مبانی نفی حرج پرداخته‌اند (انصاری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۱۹۶). همچنین ایشان در باب حجیت اصل استصحاب گفته‌اند چنانچه اصل استصحاب حجت نباشد، اختلال در نظام اجتماع حاصل می‌آید و این امر مورد نظر شارع مقدس نیست (یزدی، ۱۴۲۶، ج ۳: ۱۱۸) همچنین درباره احتیاطی که باعث اخلال به نظام شود، همین موضوع مورد توجه قرار گرفته است (کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۴۴). بلکه از دیدگاه برخی، ملاک حسن داشتن هر چیزی در این باب، تأثیری است که در حفظ نظام عام دارد و ملاک قبح هر چیزی، در منافاتش با این امر و اضرائی است که به نظام عمومی وارد می‌کند (صدر، ۱۴۱۵: ۲۱۹).

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه، ابتدا با دلیل عقل ضرورت وجود قانون و حکومت در جامعه بشری را به اثبات رسانده و سپس با دلیل عقل مستقل و غیرمستقل و سیره پیامبر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در همه زمانها و مکانها را نتیجه گرفته است و در دلیل عقل مستقل به حکمت الهی اشاره کرده و نشان داده است که بلا تکلیف گذاشتن مردم در مسئله حکومت با حکمت خدا سازگار نیست و در دلیل غیرمستقل به ماهیت قانون اسلام و روح حاکم بر قوانین اسلام استناد کرده است (قاضی زاده و فوزی، ۱۳۸۵، ۴-۱۱). از منظر امام، ضرورت تشکیل حکومت و حفظ آن و منع اختلال در آن یک حکم عقلی است و عقل درک می‌کند هر آنچه سبب اخلال در جامعه را فراهم آورد باید ترک شود. بنابراین، به‌طور کلی باید بیان داشت که مهم‌ترین دلیل بر منع اختلال در نظام، دلیل عقل است زیرا عقل به تنهایی چنین حکم می‌کند که هر چیزی که معیشت و نظام اجتماع بشر را مورد خدشه قرار دهد، باید در مقابل آن ایستاد و این عقل است که علل وجودی اختلال در نظام را نفی می‌کند. بنابراین، اختلال در اجتماع عقلاً و شرعاً حرام است زیرا بین حکم عقل و شرع ملازمه وجود دارد.

- بنای عقلا: بی‌شک، عقلای عالم از هر صنف و کیشی در همه ادوار تاریخ، بر ضرورت و لزوم حفظ آرامش، نظم و امنیت عمومی و نیز پرهیز از بی‌نظمی و هرج و مرج اتفاق نظر داشته و همواره کوشیده‌اند نظام زندگی‌شان را از هر آسیبی حفظ کنند؛ و اگر کسی برخلاف این قاعده عمل کرد، او را توبیخ می‌کنند و مستحق مجازات می‌دانند؛ زیرا آنان هرگونه اقدام در راستای

حفظ نظم را مستحق مدح، و در مقابل، هرگونه اقدام منجر به هرج و مرج را مستحق ذم می‌دانند. از این رو، هیچ قومی را نمی‌یابیم، مگر اینکه برای خود قانون، رئیس و حاکمی به‌عنوان حافظ نظم و امنیت داشته باشد. احکام و قوانینی که عقلاً برای تنظیم روابط اجتماعی و اجرای عدالت میان خویش وضع می‌کنند و خود را به پیروی از آن ملزم می‌دانند و برای اجرای آن ضمانت اجرایی نیز در نظر می‌گیرند، همه در جهت حفظ نظام و منع اختلال در آن است. مبدأ این سیره عقلایی، همان عقل فطری عقلاست که خداوند براساس حکمت کلیه، به‌منظور حفظ نظام زندگی به بشر داده است و این امور در فطرت و نهاد افراد بشر وجود دارد. این سیره عقلایی از سیره‌هایی است که انتظار می‌رود شارع با عقلاً مسلک و رویه واحدی در آن داشته باشد؛ و شارع مقدس، نه تنها آن را ردع نکرده، بلکه امضا نیز کرده است؛ از این رو، این سیره قطعاً حجت است.

مؤلفه‌های منع اختلال در نظام از منظر امام خمینی(ره)

بعد از اینکه مبانی اصل منع اختلال در نظام از منظر عقل و بنای عقلاء مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، در اینجا تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که مؤلفه‌های منع اختلال نظام از منظر امام خمینی(ره) کدام‌اند؟ براساس کنکاش در اندیشه امام خمینی(ره) مؤلفه‌های منع اختلال در حوزه‌های نظام اسلامی، سرزمین اسلامی، نظام معیشت و حکومت اسلامی قابل مشاهده است که مورد تأکید امام خمینی(ره) قرار دارند.

- منع اختلال در نظام اسلامی: زمانی که در اندیشه و تقریرات امام خمینی(ره) به اصل منع اختلال در نظام اشاره می‌شود، یکی از مؤلفه‌های آن، منع اختلال در نظام اسلامی است و به‌همین دلیل در اینجا تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که منع اختلال در نظام اسلامی براساس اندیشه امام خمینی(ره) چه معنایی دارد؟ نظام اسلام یا دین که از آن به (نظام‌الملة) نیز تعبیر می‌گردد، عبارت است از آنچه که پیامبر اسلام(ص) برای بشر آورده است که شامل عقاید، اخلاق و احکام عملیه می‌باشد (نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۲۵). در برخی از روایات به صراحت از «اطاعت اهل بیت(ع)» به‌عنوان عامل حفظ نظام‌الملة، نام برده شده است. مانند این فقره از خطبه حضرت زهرا(س) که در مورد فدک چنین فرمودند: «ففرض الله... طاعتنا نظاماً للملة؛ همانا

خداوند اطاعت از ما اهل بیت را برای حفظ نظام ملت واجب گردانیده است» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۶۸؛ صدوق، ۱۳۸۶: ۲۴۸). همچنین در تعبیر دیگری، مقصود از نظام اسلام سازمان دین و موجودیت آن کسی است که به بیضه اسلام تعبیر شده است و در تعبیر دیگر، شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلاء و جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد. در عصر حاضر، امام خمینی (ره) اصل حفظ نظام دین و جلوگیری از اختلال در آن را به‌عنوان یک واجب عقلی و ضرورت شرعی در حدی که بی‌نیاز از دلیل است مطرح و تردید در آن را شایسته عقلی ندانسته است (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۶۱۹). به عقیده ایشان، حفظ نظام اسلامی و پاسداری از حریم دین از واضع‌ترین مصادیق «ما لارضی الشارع بترکه» می‌باشد و به همین لحاظ مصداق بارز امور حسیه است (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۶۷۱).

همچنین ایشان در جای دیگر بیان می‌دارد: «حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فریاض؛ یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از خود اسلام نیست.» اما جلوگیری از اختلال در نظام در این معنا با دفاع درمقابل تهاجم به اسلام رابطه تنگاتنگی دارد و از این‌روست که در کلام بزرگان تعبیری در وجوب دفاع از اسلام جهت جلوگیری از اختلال در نظام اسلام، ملاحظه می‌گردد، از جمله مرحوم صاحب جواهر چنین می‌فرمایند: «هرگاه کفار بخواهند اسلام و دین پیامبر (ص) را به فراموشی بسپارند، اشکالی در وجوب جهاد با پیشوای ستمگر نیست، ولی باید به قصد دفاع از اسلام انجام شود. اجماع محصل و منقول هر دو بر این مطلب دلالت می‌کند؛ علاوه بر آنکه برخی از روایات و عمومات دستور به جهاد، در آیات بسیاری که شامل این مسئله می‌شود، نیز بر وجوب آن دلالت می‌کند. بلکه ظاهر کلام اصحاب این است که دفاع از اسلام یکی از اقسام جهاد است. از این‌رو، آیات و روایات جهاد شامل این مورد نیز می‌گردد، هرچند شرایط جهاد ابتدایی که برای دعوت به اسلام است در دفاع معتبر نیست.» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۲۷). مرحوم ابن حمزه نیز چنین می‌فرماید: «چه بسا، جهاد واجب عینی می‌شود و آن در دو صورت است: اول این که تنها به دستور امام باشد و در زمان معصوم (ع) و دوم در زمان غیبت وی - بدون دستور ایشان - است. این وجوب جهاد در زمانی است که خطری پیش آید که از جانب آن بر ضعف اسلام یا جان و مال مسلمان ترسیده شود و در این صورت، به سه شرط جهاد

واجب کفایی است: حضور او در صحنه، قدرت او بر دفع آن خطر و وجود معاون و همکار در صورت نیاز.» (طوسی، ۱۴۰۸: ۱۹۷).

- منع اختلال در سرزمین اسلامی: از آنجایی که حفظ سرزمین اسلامی خیلی حائز اهمیت است در این بخش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که منع اختلال در سرزمین اسلامی چه مفهومی در آراء امام خمینی(ره) دارد؟ امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «اگر سرزمین مسلمانان یا مرزهای آنها مورد هجوم دشمن قرار گیرد به طوری که ایجاد خطر برای بیضه‌اسلام و اجتماع مسلمانان نماید، بر آنها واجب است به هر وسیله ممکن اعم از بذل مال و جان، از آن دفاع کنند.» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۸۵). بنابراین، از نگاه امام خمینی حفظ سرزمین اسلامی در برابر هجوم بیگانگان یکی از وظایف مهم مسلمانان محسوب می‌شود که باید مورد توجه ایشان قرار گیرد و بذل جان و مال مسلمانان در راه دفاع از سرزمین اسلامی یکی از واجبات دینی محسوب می‌شود.

کاربرد این مفهوم غالباً در مباحث مربوط به دفاع از کشور اسلامی به چشم می‌خورد. درحقیقت، دشمنان اسلام و مسلمانان هرگاه درصدد از بین بردن اصل اسلام باشند از داخل و خارج بلاد اسلامی پرچم جنگ با حکومت اسلامی را برافراشته و به مرزهای سرزمین اسلامی حمله کرده یا در درون مرزها علیه امام مسلمین سرکشی و طغیان می‌کنند و در مقام براندازی نظام حاکم برمی‌آیند، در چنین صورتی، جهاد بر مردم واجب می‌شود (ملک افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۰). در کتاب *نیایع الاحکام* چنین آمده است: «اگر به بلاد مسلمین حمله شود، به دلیل انهدام بیضه‌اسلام، دفاع بر مسلمین واجب است و اگر فرض شود که برای آنان برای دفاع به دلیل نافرمانی‌شان یا عدم تمکنشان جمع نشدند و دفع تهاجم با یاد گرفتن سحر و عمل به آن ممکن باشد بلکه طریق دفاع در این عمل منحصر شود، قول به جواز آن ممکن است حتی می‌توان قول به وجوب تعلیم سحر را نیز پذیرفت، به دلیل ترجیح مصلحت حفظ بیضه‌اسلام پس همانا مرتبه آن بالاتر است از مفسده سحر و تعلیم آن...» (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴، ج ۵: ۳۱۷).

- منع اختلال در حکومت اسلامی: بی‌شک یکی از مهم‌ترین موضوعات فقه سیاسی اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی و تلاش در حفظ این نوع حکومت است. زیرا پیاده کردن بخش اعظمی از فقه اسلامی تنها در سایه برقراری یک نظام و حکومت اسلامی امکان‌پذیر

می‌باشد. چگونه ممکن است در جامعه‌ای حکومت غیراسلامی باشد، اما قوه قضاییه آن طبق موازین و مبانی اسلامی حکم کند؟ در این مسئله نیز هیچ مسلمانی نمی‌تواند تردید داشته باشد، چراکه محکمه غیراسلامی طبق بیان قرآن طاغوت است (روحانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۱۰). بنابراین، تشکیل هر نوع حکومتی چه جمهوری و چه غیر آن به جز حکومت کسانی که معصوم و منتخب خدا یا دارای ویژگی خاصی هستند، نمی‌تواند تداوم بخش اهداف غنی اسلامی در زندگی بشری باشد. لذاست که به دلایل ذیل تشکیل حکومت اسلامی از نظر عقلی و شرعی ضروری است:

الف. قانون هر قدر کامل باشد، حتی قانون متکی به وحی، به تنهایی برای ایفای هدفش و رسیدن به حاکمیت کافی نیست.

ب. ماهیت قوانین اسلام مانند قوانین مالی (زکات، خمس...) و احکام جزایی و جهاد خواستار حکومت و قدرت اجرایی و تنفیذی است.

پ. وحدت اسلامی بر پایه اخوت و اعتصام به حبیل الله که از ضروریات اسلامی است نیازمند به قدرت ضامن وحدت و حبیل الله است.

ت. سرافرازی اسلام و اعلائی کلمه حق و نفی سبیل کافران از مؤمنان به جز با تشکیل حاکمیت و قدرت حکومتی امکان پذیر نیست.

ث. اعانت مظلوم و دفع ظالم و اصل کلی اسلام «کونوا للظالم خصما و للمظلوم عوناً» ضرورت عقلی و اسلامی تشکیل حکومت را ثابت می‌کند.

ج. سنت و سیره پیامبر اکرم در زمینه تشکیل قدرت سیاسی و حکومت در مدینه و سپس هجرت از مکه.

چ. براساس اصل مسلم امر به معروف و نهی از منکر، باید همه مسلمین مانع از استقرار و ادامه حکومت‌های ظالم و ضد اسلامی باشند و لازمه این وظیفه ایجاد تحولات اساسی در جامعه و انقلاب است و چنین مسئولیتی تنها با برقراری حکومت حق و عدل امکان پذیر خواهد بود.

ح. فلسفه امامت که پیشوایی و هدایت مادی و معنوی انسان‌ها را در زندگی این دنیا در برمی‌گیرد چون مرکزیت و نقش مبدأ حرکت‌ها و جهت‌دهنده و سرعت بخشنده به آنها

و در نهایت، کنترل همه جنبش‌ها و حرکت‌های روحی و جسمی انسان‌ها را در دو بعد فردی و اجتماعی برعهده می‌گیرد. این دلایل و پاره‌ای دلایل عقلی و شرعی دیگر که در این محل، فرصت پرداختن به آنها نیست، ضرورت تشکیل حکومت و سازمان‌دهی نظام حکومتی کشور اسلامی را روشن می‌کند و به‌طورقطع، نفی چنین ضرورتی انکار ضرورت اجرای احکام اسلام و جامعیت و جاودانگی دین مبین اسلام تلقی می‌شود و انکار آن به معنی ترویج حکومت طاغوت یا فرمانروایی و خودکامگی ظالمان و/یا هرج و مرج و عنان‌گسیختگی بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است (زنجانی، ۱۴۲۱ ه ق، ج ۱: ۱۹۸-۱۹۹). از این‌روست که وقتی حکومت اسلامی را به‌عنوان اهم امور بدانیم، قطعاً ضرورت و جوب حفظ آن نیز جای هیچ‌گونه تردیدی نخواهد داشت.

امام خمینی(ره)، که اندیشه سیاسی و اجتماعی خودشان را ضرورت تشکیل حکومت در چارچوب احکام و قوانین اسلامی در راه تحقق بخشیدن و پیاده کردن این احکام می‌دانستند، با شجاعت به انتقاد از برخی رفتارها و عملکردهای غیراسلامی حکومت پهلوی پرداختند و در نهایت، حکومت وی را غیراسلامی و وجود شاه در ایران را مانع اصلی در راه نیل به حکومت صدرصد اسلامی که آرزو داشتند به حساب می‌آوردند. امام خواسته‌های مردم در راه تشکیل حکومت اسلامی را دقیقاً مبتنی بر احکام سیاسی اسلام و مبانی پیشرفته آن می‌دانستند و نمونه بارز و عینی عملکرد مردم به این احکام را شعارها و تظاهراتی که آنها در شهرها و دهات ایران در قبل از پیروزی انقلاب به راه می‌انداختند دانسته‌اند. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۷۵).

امام خمینی(ره) اعتقاد داشتند: «...ما که به ولایت معتقدیم و به این که پیامبر(ص) تعیین خلیفه کرده و خدا او را واداشته تا تعیین خلیفه کند و ولی امر مسلمانان را تعیین کند باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم و باید کوشش کنیم که دستگاه اجرای احکام و اداره امور برقرار شود. مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است...»(خمینی، ۱۳۹۲: ۲۱).

برداشتی چون اجرای احکام پس از رسول اکرم و تا ابد ضرورت دارد تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداری ضرورت می‌یابد (خمینی، ۱۴۲۳: ۲۱). از منظر امام(ره) تشکیل حکومت اسلامی و حفظ آن از اهم امور محسوب می‌شود زیرا اجرای احکام اسلامی منوط به

وجود حکومت اسلامی مقتدر است و هرآنچه این حکومت اسلامی را تهدید کند باید با آن مبارزه شود. یکی از علل اصلی مبارزه امام با حکومت پهلوی عدم اجرای قوانین اسلامی بود. بنابراین، از نگاه امام، تشکیل و حفظ حکومت اسلامی واجب و اختلال در آن امری حرام و منهی عنه می‌باشد.

- منع اختلال در حفظ نظام زندگی و معیشت مردم: در کنار حفظ سرزمین اسلامی و حفظ ساختارهای حکومتی، امام (ره) بر حفظ زندگی جمعی و معیشت مردم تأکید دارد و در این بخش، تلاش بر این است تا سؤال زیر پیگیری شود؛ از منظر امام خمینی (ره)، منع اختلال در حفظ نظام زندگی و معیشت مردم به چه معنایی است؟ در پاسخ به این سؤال باید اشاره شود که بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره، که همه جریانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه در آورد هرچ و مرج به وجود می‌آید، و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید. پس، برای اینکه هرچ و مرج و عنان گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همه اموری که در کشور جریان می‌یابد. بنابراین، به ضرورت شرع و عقل آنچه در دوره حیات پیامبر (ص) و زمان علی بن ابی طالب (ع) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان و در زمان ما لازم است (خمینی، ۱۴۲۳: ۲۷). از دیدگاه امام حفظ نظام معیشتی مردم از اهمیت بسیاری بالایی برخوردار است. ایشان معتقد است اگر حکومت تشکیل نشود، در نظام اجتماعی و معیشتی مردم هرچ و مرج به وجود می‌آید و هیچ‌کس نمی‌تواند به اهداف و امور خود برسد. بنابراین حفظ نظام اجتماعی و معیشت مردم شرعاً و عقلاً واجب و اختلال در آن حرام است.

انسان به حکم فطرت خویش، موجودی اجتماعی است لذا طبیعت اجتماعی وی سبب شده که به تشکیل اجتماع و زندگی در کنار سایر هم‌نوعان خویش گرایش داشته باشد. همواره در طول تاریخ، گرایش و نیاز فطری و طبیعی سبب شکل‌گیری اجتماعات بوده است اما قطعاً همین گرایش فطری موجب گردیده بشریت در تداوم و بقاء حیات جمعی خویش بکوشد و با هرچه که سبب برهم زدن این اجتماع یا اختلال در نظم آن باشد به مخالفت برخیزد. شارع نیز در قوانین خویش، به رعایت این نیاز فطری اهتمام خاص داشته و همواره یکی از اهداف غایی اسلام، حفظ نظام معیشت جمعی و پرهیز از اختلال در حیات جمعی بشری بوده است. چنان‌که

در تعبیر فقهای اسلامی، حفظ نظام و پرهیز از اختلال در آن، به معنای حفظ نظم در درون جامعه اسلامی و برقراری انضباط میان مردم و سازمان و دستگاه‌های اجتماعی به کار برده شده است و حفظ نظم در آن معنا در مقابل اختلال و هرج و مرج استعمال گردیده است (کلاتری، ۱۳۸۷: ۲۱۲). این مفهوم عام‌ترین و پرکاربردترین مفهوم نظام بوده و منظور از آن، این‌گونه بیان شده است: حفظ نظامات داخلی مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی‌حقی به حق خویش و منع از تعدی و تجاوز آحاد ملت، که از وظایف نوعیه راجعه به مصالحه داخلی مملکت و ملت شمرده شده است (نائینی، ۱۴۱۷: ۳۹-۴۰). در کلام بزرگان شیعه، وجوب حفظ نظام و پرهیز از هر امر برهم زننده آن، از مسلمات شیعه به شمار می‌رود تا جایی که ضمن مفروغ‌عنه گرفتن از این حکم، احکام و آثار فراوانی نیز بر آن مبتنی است. منظور از حفظ نظام معیشت مسلمین این است که بازار مسلمین، که تأمین‌کننده مایحتاج زندگی آنان است، به خوبی برقرار باشد و مسلمانان بتوانند از یک سو، مایحتاج خویش را آن تهیه کرده و از سوی دیگر، اقتصاد جامعه مسلمین رونق یابد. فقهای شیعه احکامی همچون حجیت یدمسلمان، اعتبار سوق المسلمین، حلیت ارزاق تهیه شده از بازار، جواز اقامه نماز در لباس خریداری شده از بازار مسلمین و مواردی از این دست را با هدف حفظ نظام معیشت مسلمانان مطرح کرده‌اند (جمالزاده، ۱۳۹۶: ۶).

نتیجه‌گیری

این مقاله تلاشی است در راستای «بررسی جایگاه اصل منع اختلال نظام اجتماعی از منظر امام خمینی (ره)» و یافته‌ها نشان می‌دهند که حفظ نظام اجتماعی و جلوگیری از اختلال در آن یکی از مسلمات مذهب تشیع محسوب می‌شود و با بررسی در کتب مرجع شیعه، موضوعی مهم و قابل توجه است و آن موضوع، این است که بزرگان مذهب اصل منع اختلال در نظام را مبنای بسیاری از احکام دانسته‌اند. اما متأسفانه این اصل با وجود اهمیت فوق‌العاده‌ای که در نظام اجتماعی دارد به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته و صرفاً به صورت پراکنده در آثار فقهی مورد توجه قرار گرفته است و در سده‌های گذشته در آثار معتبر فقهی و سیاسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از منظر امام خمینی (ره)، حفظ نظام اجتماعی و عدم اختلال در آن از چنان اهمیتی در حکومت اسلامی برخوردار است که در تراحم با سایر احکام مطابق قاعده

عقلی اهم و مهم بر سایر احکام مقدم می‌شود. با بررسی‌های انجام شده می‌توان مهم‌ترین ادله‌ای که اثبات‌کننده اصل منع اختلال در نظام هستند را عقل و بنای عقلا دانست، زیرا عقل همان‌طور که به حسن عدالت و قبح ظلم حکم می‌کند، به وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در آن حکم می‌کند. با رجوع به بناء و سیره عقلاء مشاهده می‌شود که عقلای عالم بر وجوب حفظ نظام و منع اختلال در سیستم‌های سیاسی و اجتماعی هم‌عقیده‌اند و از آنجایی که شارع مقدس از عقلاء و بلکه رئیس عقلاست و با آنان نیز هم‌مسلك است، مخالف ایجاد اختلال در نظام اجتماعی و سیاسی است و این امر را حرام می‌داند. ادله دیگری که از سوی شارع بر حفظ نظام و منع اختلال در آن دلالت می‌کنند به‌نوعی ارشاد به حکم عقل و تأییدی بر آن هستند. بررسی مجموعه اندیشه و بیانات امام خمینی (ره) در حوزه حفظ نظام و منع اختلال در نظام اجتماعی نشان می‌دهد که منع اختلال در نظام به‌عنوان یک اصل، یکی از مهم‌ترین اصول مهم اسلام محسوب می‌شود که مورد توجه بسیاری از بزرگان شیعه من جمله امام خمینی (ره) قرار گرفته است که در نظام سیاسی اسلام، باید مدنظر کارگزاران حکومتی باشد. از منظر ایشان، منع اختلال در نظام اجتماعی و معیشتی مردم از مهم‌ترین اصول شیعه محسوب می‌شود و در تزامم با احکام و اصول دیگر مقدم می‌شود؛ زیرا برقراری نظامی با ثبات و دارای نظم موجبات رشد و توسعه اجتماع و جامعه اسلامی را فراهم می‌آورد. اختلال در نظام اجتماعی می‌تواند حکومت اسلامی را با تهدیدات چندبعدی مواجه سازد و عامل دگردیسی در مسیر متعالی نظام دینی باشد و امام خمینی (ره) با بررسی وجوه مختلف اختلال در نظام براساس آیات و روایت معصومین (ع)، بر وجوب حفظ نظام و نفی مؤلفه‌های اختلال نظام تأکید می‌کنند.

منابع

- ابن فارس، احمد ابن فارس بن ذکریا (۱۴۰۴)، *معجم‌المقانیس‌اللغه*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان‌العرب*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۶)، *فرائد‌الاصول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- باقی‌زاده، محمدجواد و عبدالله امیدی فر (۱۳۹۳): «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، دوره دوازدهم، پائیز، شماره ۴۷: ۲۰۰-۱۷۰.

- پورسید آقایی، مسعود (۱۳۸۹)، *دین و نظام‌سازی*، قم: انتشارات لبله القدر.
- برگر، پیتر و لاکمن، توماس (۱۳۷۵)، *ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جمال‌زاده، ناصر و باباخانی، مجتبی (۱۳۹۶)، «کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی*، دوره سیزدهم، شماره ۲۵: ۳۹-۵.
- چارلز وست، چرچمن (۱۳۶۹)، *نظریه سیستم‌ها*، ترجمه رشید اصلانی، تهران: مرکز مدیریت دولتی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، *اندیشه‌های سیاسی اسلام*، جلد اول، تهران: انتشارات کمیل.
- زنجانی، عباسعلی عمید (۱۴۲۱)، *فقه سیاسی (عمید)*، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سجادی، سیدجعفر (بی‌تا)، *فرهنگ معارف اسلامی*، جلد چهارم، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۵)، *جواهرالاصول*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدوق، محمدبن‌علی (۱۳۸۶)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری.
- صدوق، محمدبن‌علی (۱۴۱۳)، *من لایحضره الفقیه*، جلد سوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد شانزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن‌علی بن حمزه (۱۴۰۸)، *الوسیلہ الی نیل الفضیلہ*، قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی (ره).
- غلامحسین، الهام و سیدیحیی موسوی (۱۳۹۱)، «*وجوب حفظ نظام اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال نوزدهم، بهار، شماره ۶۹: ۹۱-۱۱۸.
- فیومی، احمدبن‌محمد مقرئ (بی‌تا)، *المصباح‌المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: منشورات دارالراضی.
- قاضی‌زاده، کاظم و فوزی، یحیی (۱۳۸۵)، *مردم‌سالاری دینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب اسلامیة.
- کاظمی خراسانی، محمدعلی (۱۳۷۶)، *فوائدالاصول (تقریرات محمدحسین نائینی)*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۷)، حکم ثانوی در تشریح اسلام، تهران: مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی.
- مرتضوی، سیدضیا (۱۳۹۸)، «قاعده حفظ نظام و پیوند آن با حفظ نظام سیاسی؛ با تأکید بر نگاه فقهی امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیست و دوم، تابستان، شماره ۸۶: ۲۹-۵۲.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، آشنایی با علوم اسلامی، منطق، فلسفه، تهران: انتشارات صدرا.
- ملک‌افضلی اردکانی، محسن و همکاران (۱۳۹۱)، «مفهوم نظام و کاربردهای آن در فقه و اصول»، نشریه مطالعات اسلامی، دوره چهل و چهارم، بهار، شماره ۸۸: ۱۲۵-۱۵۰.
- مهدوی‌زادگان، داود (۱۳۹۸)، «تحول مفهومی حفظ نظام در اندیشه امام خمینی»، خبرنامه داخلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، تابستان، شماره ۵۷: ۲۵-۲۴.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱)، کتاب‌البیع، جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۲)، استفتانات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۳)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی قزوینی، سیدعلی (۱۴۲۴)، ینابیع الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نائینی، میرزا محمدحسین (۱۴۱۷)، فوائد الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجف‌آبادی، حسین علی منتظری (۱۴۰۹)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه، قم: نشر تفکر.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- یزدی، محمدابراهیم (۱۴۲۶)، حاشیه فرائد الاصول (تقریرات سیدمحمدکاظم یزدی)، قم: دارالهدی.